

بسم الله الرحمن الرحيم

خروج امریکا از معاهده ساخت موشک با روسیه



(ترجمه)

پرسش

وزیر خارجه امریکا در اوایل ماه جاری میلادی رسماً اعلان نمود که ایالات متحده از توافق نامه محدودیت تولید موشک‌های میان برد و کوتاه بردی که در سال 1987م با روسیه امضاء نموده بود، خارج می‌شود. ابعاد این خروج امریکا چیست؟ آیا روسیه واقعاً این توافق نامه را نقض نموده و یا این فقط بهانه‌ای است که امریکا برای خروج از آن مطرح نموده؟ و اگر روسیه آن را نقض نکرده، پس هدف امریکا از این خروج چیست؟ جزا کم الله خیراً!

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ، مسائل زیر را به بررسی می‌گیریم:

**اول:** بلی، «مایک پامپیو وزیر خارجه امریکا روز جمعه اعلان نمود که امریکا پایبندی‌اش را به معاهده منع تولید موشک‌های میان برد و کوتاه برد با روسیه به حالت تعلیق در می‌آورد. وی گفت: "در جریان شش ماه، رسماً به روسیه هشدار خواهیم داد که ایالات متحده از این معاهده خارج خواهد شد." وی تأکید نمود که کشورش پایبندی خویش را به نیروی هسته‌ای میان برد سر از فردا شنبه به حالت تعلیق در می‌آورد. وی هشدار داد، در صورتی که روسیه مجدداً به این معاهده پایبندی نکرد، عمل بر اساس آن به پایان خواهد رسید.» (منبع: عربی 21. 1 نومبر 2019م) انتظار می‌رفت امریکا چنین موقفی بگیرد؛ زیرا چند ماه است که در خصوص پایبندی روسیه به این معاهده موسوم به "ای، ان، اف"، شک و تردیدهایی را بر می‌انگیزد؛ چنانچه ترامپ در اظهاراتی گفت: «ایالات متحده به

روسیه اجازه نخواهد داد که خودش به تولید این سلاح ادامه داده و در عین حال تولید آن را بالای ما ممنوع کند.» (منبع: بی بی سی 21 اکتبر 2018م)

روسیه از این اقدام اداره حکومت ترامپ اظهار بیم و تعجب نمود؛ چنانچه «سیرگی ریابکوف معاون وزیر خارجه روسیه در واکنش گفت: "این یک گام بسیار خطرناکی است و انتقادهای تیزی را در پی خواهد داشت." وی که با آژانس خبری روسی موسوم به "تاس" صحبت می نمود، گفت: "این معاهده برای امنیت جهانی، به ویژه در فضای رقابت تسلیحاتی موجود و برای محافظت از ثبات استراتژیک از اهمیت زیادی برخوردار است." ریابکوف تلاش‌های ایالات متحده را تحریک‌آمیز و به هدف کسب امتیاز خوانده و آن را تقبیح نمود.» (منبع: بی بی سی 21 اکتبر 2018م) روسیه پس از آن که از این تصمیم امریکا با خبر شد، اعلان نمود که ما نیز چنین تصمیمی را اتخاذ خواهیم نمود. «لاوروف در بیانیه کوتاه مطبوعاتی که در عشق آباد داشت، گفت: "ولادیمیر پوتین موقف ما را در برابر این تصمیم مشخص نمود و آن این که ما نیز به زودی اقدامی کاملاً مشابه را روی دست خواهیم گرفت." وی افزود: "امریکائی‌ها پایبندی‌شان را به این معاهده به حالت تعلیق در آورده اند و ما نیز دقیقاً همین کار را می‌کنیم و با به پایان رسیدن مهلت شش ماهی که در توافق‌نامه از آن یاد شده و در نتیجه بیانیه رسمی امریکا در مورد خروج واشنگتن از این معاهده، ما نیز از جانب خود به تداوم آن پایان خواهیم داد.» (منبع: آر تی 6 فبروری 2019م) به این ترتیب، روشن است که امریکا قصد دارد عملاً از این توافق‌نامه خارج شود؛ حتی ممکن است پیش از به پایان رسیدن مهلت شش ماهه، چنانچه اعلان نموده که تحقیقات و برنامه‌های موشکی را که بر اساس توافق‌نامه مذکور ممنوع بود، به زودی از سر گرفته خواهد شد.

**دوم:** بعید به نظر می‌رسد؛ دلیل خروج امریکا از این معاهده چیزی باشد که اعلان نمود و آن این که روسیه با ساخت موشک "729m9"، این معاهده را نقض نموده؛ زیرا روسیه اعلان نمود که این موشک می‌تواند تنها 480 کیلومتر را هدف قرار دهد، یعنی زیر 500 کیلومتری که در معاهده ممنوع قرار داده شده است. معاهده مذکور، موشک‌های کوتاه‌برد از 500-1000 کیلومتر و میان‌برد از 1000-5500 کیلومتر را ممنوع قرار داده است. موشک‌های کوتاه‌برد و میان‌برد روسیه به هیچ‌وجه خاک امریکا را به گونه مستقیم تهدید نمی‌کند؛ بلکه اتحاد جماهیر شوروی، که در محاصره دشمنان زیادی قرار داشت، حجم عظیمی از موشک‌هایی را تولید می‌نمود که می‌توانست مشخصاً اروپای غربی را هدف قرار دهد و زمانی که امریکا موشک‌های بیرجینگ و کروزر را در دهه هشتم قرن گذشته در اروپای غربی نصب نمود، اتحاد جماهیر شوروی در واکنش به این اقدام امریکا، موشک‌های "اس 20" میان‌برد را نصب نمود و به این ترتیب، اروپا تبدیل به منطقه‌ای شد که بیشتر احتمال می‌رفت جنگ هسته‌ای میان امریکا و شوروی در دهه هشتم در آن جا به وقوع بپیوندد؛ بناءً به وحشت افتاده و برای دستیابی به معاهده ممانعت از تولید موشک‌های میان‌برد، تأکید و اصرار نمود.

**سوم:** با بررسی نمودن تصمیمی که امریکا در آن زمان اتخاذ نموده بود، می‌توان به خطر و جدیت سیاست امریکا پی برد؛ طوری که از یک طرف ارتباط امنیتی اروپای غربی را با امریکا افزایش داد و به این ترتیب، سرنوشت قاره اروپا را در گرو واشنگتن گذاشت و از طرف دیگر، امریکا از آغاز دهه هشتم شاهد گام‌های متزلزل گورباچوف در خلع سلاح بود و زمانی که مذاکرات خلع سلاح میان دوطرف به پخته‌گی رسید و وقت امضای توافق‌نامه رسید، امریکا این خلع سلاح را مختص به موشک‌های کوتاه و میان‌برد نمود تا بیشترین خسارت متوجه اتحاد جماهیر شوروی شود؛ اتحادی که بر اساس این توافق‌نامه مجبور شد 1800 موشک هسته‌ای خویش را که مبالغ‌ه‌نگفتی برای ساخت آن هزینه نموده بود، نابود کند؛ در حالی که امریکا تنها 800 موشک از این نوع را نابود نمود؛ یعنی

کمتر از نیم آنچه که مسکو نابود نمود. «دو طرف در ماه می سال 1991 اعلان نمودند که برای عملی نمودن معاهده دو جانبه، بیشتر از 2600 موشک را نابود کردند، که 1800 فرزند آن از روسیه بود.» (منبع: الجزیره 2 فروری 2019م) این بدان معنی است که کار عملی نابود کردن موشک‌های یاد شده در سال 1991م به پایان رسید و پایبندی به این معاهده، یعنی خودداری از تولید موشک‌های هسته‌ای مشابه همچنان ادامه یافت.

**چهارم:** با در نظر داشت استراتژی آمریکا که فعلاً اداره حکومت ترامپ آن را به پیش می‌برد و پیش از وی اداره حکومت اواما نیز بعضاً بدان عمل می‌نمود، دیده می‌شود که تحولات جهانی، واشنگتن را وادار نموده تا در مجموع سیاست‌های آمریکا تجدید نظر نماید. قضایای عمیقی که استراتژی جدید آمریکا در نظر دارد و آن را معاجله کند، قرار ذیل است:

**1. اقتصاد آمریکا:** آمریکا متوجه شده، اقتصادش، که یکی از ارکان اساسی زبردستی و ابرقدرتی آن در سطح جهانی می‌باشد، دچار ضعف گردیده. در عین حال، متوجه شده که اروپا نیز اقتصاد قوی دارد و دلیل این اقتصاد قوی اروپا این است که برای تأمین امنیت جهانی به اندازه کافی هزینه نمی‌کند؛ زیرا خود را در سایه چتر امنیتی آمریکا قرار داده و از استحکام آن مطمئن است. از جانب دیگر، موضوع دیگری که اهمیت آن از موضوع اروپا کمتر نیست، رشد فوق العاده و سریع چین است، طوری که اقتصادش را در جریان فقط دو دهه به سطح اقتصاد درجه اول جهان رسانید و سازمان‌های نقدینه‌گی مانند؛ "بانک توسعه آسیایی" را بنا نهاد؛ سازمان‌هایی که جایگاه سازمان‌های بین‌المللی را، که آمریکا بنیان گذاشته، تهدید می‌کند؛ مانند بانک جهانی. این واقعیت‌ها و نوسان‌های جهانی اقتصادی، آمریکا را در مورد آینده اقتصادش، به صفت یکی از ارکان اساسی تسلط آن بالای جهان، به شک و تردید انداخت و به همین دلیل بود که آمریکا شروع به تمرکز بالای توانایی‌های نظامی خود نمود؛ یعنی برای ترساندن دولت‌های رقیب خویش شروع به نشان دادن چنگ و دندان‌های موشکی و هسته‌ای خویش نمود. آمریکا اینک در زمان حاکمیت ترامپ دیگر این اهداف خویش را پنهان نگه نمی‌دارد؛ چنانچه رئیس جمهور آمریکا در اظهاراتی گفت: «کشور ما بعد از این توانای‌های هسته‌ای خویش را تا زمانی افزایش خواهد داد که دیگران به هوش آیند.» (منبع: روز هفتم 6 نومبر 2018م)

**2. گرایش‌های اروپا علیه آمریکا:** ماکرون رئیس جمهور فرانسه خواستار تشکیل اردوی اروپائی در برابر تهدیدهای روسیه و چین و حتی آمریکا شد. ترامپ تعجب نمود که چگونه ممکن است اروپا فکر کند که آمریکا برای امنیت اروپا تهدید به شمار می‌رود؛ در حالی که این امریکاست که اروپا را زیر چتر امنیتی خود قرار داده و برای حمایت از آن هزینه می‌کند. در عین حال، اروپا در بسیاری از مواضع، مانند توافق نامه تغییرات آب و هوایی، جنگ عراق، کشمکش‌هایی که برای نفوذ در مناطق عربی، اسلامی و افریقائی جریان دارد، با آمریکا مخالف است؛ بلکه حتی اروپا به پیمانۀ گسترده‌ای با چین همکاری می‌کند.

با توجه به موارد فوق الذکر؛ آمریکا قصد دارد روسیه مجدداً تبدیل به تهدیدی برای اروپا شده و به این ترتیب اروپا را به حالت عادی آن برگرداند؛ زیرا با خروج از این توافق نامه با روسیه، روسیه مجبور خواهد شد تا شروع به ساخت موشک نموده و به این ترتیب تبدیل به تهدید هسته‌ای برای اروپا شود؛ اروپائی که در نزدیکی روسیه موقعیت دارد. لازم به ذکر است که این توافق نامه برای متوقف نمودن رقابت‌های هسته‌ای در خاک اروپا به امضاء رسیده بود؛ چنانچه هایکو ماس وزیر خارجه آلمان در بیانیه‌ای که توسط آژانس "رویترز" منتشر گردید، گفت: «در جریان 30 سال تمام، این توافق نامه یکی از اساسی‌ترین پایه‌های امنیت اروپا به شمار می‌رفت.» (منبع: اسپوتنیک روسیه 21 اکتوبر 2018م) هایکو ماس قبلاً نیز به آژانس خبری آلمان گفته بود که: «کشورم با تمام توان با هرگونه تحرکی در جهت گسترش موشک‌های جدید هسته‌ای میان‌برد در اروپا مخالفت خواهد نمود.» آژانس انباء در گفتگویی به نقل از وی گفت:

«اروپا به هیچ‌وجه و زیر هیچ‌گونه شرایطی نباید تبدیل به منطقه مورد مناقشه برای ازسرگیری روند مسلح شدن شود.» (منبع: وفاق آنلاین 28 دسامبر 2018م) ایمانوئل ماکرون رئیس‌جمهور فرانسه نیز قبلاً در اظهاراتی گفته بود: «خروج ایالات متحده از معاهده منع تولید موشک‌های میان‌برد و کوتاه‌برد، امنیت اروپا را به خطر خواهد انداخت.» ماکرون، که در رادیوی "اروپا1" فرانسه صحبت می‌نمود، افزود: «رئیس‌جمهور امریکا چند هفته پیش اعلان نمود که از معاهده مهم خلع سلاح خارج خواهد شد؛ پرسش اینست که چه کسی قربانی اصلی این خروج خواهد بود؟» (منبع: روز هفتم 6 نومبر 2018م)

**3. سیاست روسیه و فشارهای امریکا علیه آن:** پس از به قدرت رسیدن اداره حکومت ترامپ در امریکا، هیچ ماهی سپری نمی‌شود؛ مگر این که فشارهای امریکا بالای روسیه افزایش یابد؛ تحریم‌ها، نزدیک نمودن زیربنای نظامی ناتو به مرزهای روسیه، پیوند دادن کشورهای جدیدی به ناتو (مقدونیه)، سهم نمودن روسیه در بحران سوریه، سهل‌انگاری و به درازا کشانیدن روند کمک به آن برای خروج از گرداب سوریه، نصب منظومه موشکی و ضد موشکی در مرزهای شرقی روسیه (کوریای جنوبی)، برانگیختن خواسته‌های جاپان در جزایر کوریل و مختل نمودن روابط روسیه با جاپان و غیره. آنچه امریکا را علیه روسیه شجاع‌تر نمود، لبیک گفتن روسیه به درخواست امریکا در قضیه سوریه بود. امریکا قصد دارد خدمات بین‌المللی روسیه را به امریکا به منطقه چین انتقال دهد و روسیه به نوبه خود این سیاست را به خوبی درک نموده؛ چنانچه سیرگی لاوروف وزیر خارجه روسیه در اظهاراتی: «تأکید نمود که ایالات متحده به هیچ‌وجه قادر نخواهد بود روسیه را تبدیل به ابزاری برای برآوردن منافع خود در برابر چین نماید.» وی افزود: «سعی دارند برای منضبط نمودن اروپا و تقویت سهم‌گیری اروپا در ناتو از ما استفاده کنند. هم‌چنین در حال حاضر با جدیت تمام روی این بحث و مناقشه دارند که چگونه می‌توانند برای برآوردن منافع خویش از روسیه علیه چین استفاده کنند؛ زیرا تمایل دارند از ما ابزاری برای تحقق منافع ایالات متحده بسازند.» (منبع: آر تی 24 دسامبر 2018م)

پس روسیه بعد از آن که امریکا موفق شد آن را به نفع خود در قضیه سوریه دخیل نماید، اینک برای استفاده از آن بر ضد چین در معرض فشارهای سنگینی قرار دارد و این خود خط پهنی ست در سیاست جدید امریکا در خصوص روسیه. طوری که امریکا از یک جهت با خروج‌اش از معاهده موشک‌های میان و کوتاه‌برد با روسیه، این کشور را زیر فشار خواهد گرفت و از جهت دیگر برای متشنج نمودن روابط روسی با چین نیز کار خواهد نمود. امریکا فشارهای بالای روسیه را از طریق وادار نمودن آن به رقابت تسلیحاتی جدیدی خواهد نمود که اقتصاد روسیه توان پرداخت به آن را ندارد؛ چنانچه سیرگی ریبکوف معاون وزیر خارجه روسیه در اظهاراتی گفت: «ما قصد نداریم با ایالات متحده وارد رقابت تسلیحاتی شویم؛ اما امریکا سعی دارد ما را به آن سو بکشد.» (منبع: آر تی عربی 7 فبروری 2019م) و اما مشتتج نمودن روابط روسیه با چین به این طریق خواهد بود که وقتی امریکا روسیه را وادار کند، وارد رقابت تسلیحاتی استراتیژی میان‌برد و کوتاه‌برد شود، چین از روسیه احساس خطر زیادی خواهد نمود؛ زیرا این کشور در مرزهای آن قرار دارد و سراسر خاک چین در تیررس این موشک‌هایی قرار خواهد داشت که خاطر چین قبلاً در سال 1991م از ناحیه آن جمع شده بود و به این ترتیب، روابط دو کشور متشنج خواهد شد.

**4. رشد اقتصادی بیش از حد چین و اولویت‌های رویارویی امریکا با آن:** استراتیژی جدید امریکا، که از زمان دور دوم ریاست اوباما شروع شد، چین را در اولویت کاری امریکا قرار داده. ترامپ این اولویت را کاملاً برجسته نمود؛ چنانچه عملاً با چین وارد جنگ تجاری شده تا جلو این رشد را بگیرد. این در حالی است که توانایی‌های عظیم اقتصادی چین این کشور را قادر می‌کند اردوی نیرومندی را بسازد که سلاح هسته‌ای در اختیار داشته و این امکان را نیز داشته باشد که بازهم گسترش یافته و توانایی‌ها و زبردستی

امریکا را به خطر اندازد. چنانچه بودجه نظامی را که چین اعلان نموده "228 میلیارد دلار"، بزرگ‌تر از بودجه‌های نظامی هر چهار کشوری است که بعد از چین قرار دارند (روسیه، انگلستان، فرانسه و آلمان). آمریکا بعید نمی‌داند که چین برخی از برنامه‌های نظامی‌اش را مخفی نگهداشته باشد؛ زیرا اقتصادی را که چین در اختیار دارد، به آن امکان می‌دهد تا در بخش نظامی خویش بیشتر هزینه نماید.

این یک بعد قضیه است و بعد دیگر آن اینست: آمریکا، که به دلیل نزدیکی توانایی‌های اقتصادی چین با خود سخت نگران بوده و از جنگ اقتصادی با آن وحشت دارد، سعی دارد جلو رشد چین را در میدان نظامی بگیرد؛ میدانی که آمریکا در حال حاضر به گونه قاطع نسبت به چین پیش‌تاز است. بنابر این، آمریکا قصد دارد خود را از بند "معاهده موشک با روسیه" رها نماید؛ معاهده‌ای که به آمریکا اجازه نمی‌دهد چین را با سلاح‌های هسته‌ای میان‌برد و کوتاه‌برد محاصره نماید؛ موشک‌هایی را که می‌تواند در کوریای جنوبی، جاپان و سایر دولت‌های ما حول چین نصب نماید. به عبارت دیگر، آمریکا قصد دارد توانایی‌های اقتصادی چین را از طریق برانگیختن آن به جانب رقابت‌های تسلیحاتی، متلاشی نماید؛ طوری که چین وادار شود در واکنش به اقدامات احتمالی آمریکا در ما حول چین، دست به ساخت موشک‌های میان‌برد و کوتاه‌برد بیشتری بزند و آمریکا، نه تنها از توانایی‌های خود؛ بلکه از توانایی‌های دیگران، مانند جاپان و کوریای جنوبی نیز در رقابت تسلیحاتی شرق دور استفاده کند و به این ترتیب، اقتصاد چین از جایگاه کنونی‌اش افت کند.

**پنجم:** خلاصه این که اهداف درازمدت آمریکا با خروج آن از توافق‌نامه موشکی با روسیه به گونه زیر برملا می‌گردد:

1. پس از آن که اقتصاد آمریکا، که یکی از مهم‌ترین ابزار تسلط آن بر جهان تلقی می‌گردد، رو به افت گذاشت، مخصوصاً با توجه به این که اقتصاد چین رو به رشد بوده و با همتای امریکائی‌اش رقابت می‌کند و هم‌چنین با توجه به رقابت اقتصادی که با اروپا دارد، آمریکا تصمیم گرفته توانایی‌های نظامی و استراتژی‌اش را، که بی‌رقیب است، برای استحکام بخشیدن تسلط جهانی خویش علیه اروپا، چین و روسیه به کار گیرد.

2. کشورهای اروپائی در بسیاری از قضایای سیاسی با آمریکا سر لج گرفته و مخالفت نشان می‌دهند؛ بناءً آمریکا قصد دارد روسیه را مجدداً علیه اروپا تبدیل به یک تهدید نماید؛ درست مانند زمان اتحاد جماهیر شوروی. آمریکا می‌خواهد با ایجاد رقابت تسلیحاتی جدید با روسیه، دولت‌های اروپائی را وادار نماید تا برای حمایت خویش از روسیه، به چتر هسته‌ای آمریکا پناه ببرند و در نتیجه، مجبور شوند شرط‌های جدید واشنگتن را، به شمول افزایش هزینه نظامی و ضمانت بقای خویش زیر رهبری آمریکا بپذیرند.

3. افزایش فشار بالای روسیه و تهدید نمودن وضعیت استراتژی موجود آن با رقابت جدید تسلیحاتی که توان آن را ندارد و هم‌چنین وادار نمودن روسیه به اتخاذ موقف‌هایی در برابر چین، که به مذاق آن خوش نمی‌خورد تا فاصله دو کشور از یک‌دیگر زیاد شود. بر اساس استراتژی جدیدی که خروج واشنگتن از این معاهده در پی خواهد داشت، روسیه در برابر دو گزینه‌ای قرار می‌گیرد که هر یکی از دیگری تلخ‌تر خواهد بود: یا باید وارد رقابت ناکام تسلیحاتی شود که پرده از ابعاد توانایی‌های استراتژی آن برمی‌دارد و به این ترتیب، تبدیل به کشوری شود که از نظر توانایی‌های استراتژیک در سطح فرانسه و انگلیس قرار گیرد و یا در برابر فشارهای آمریکا سر تسلیم فرود آورده و به این ترتیب، احتمالاً آبروی خویش را حفظ نماید و موقف جهانی خویش را کاملاً در گرو اشاره آمریکا قرار دهد و در بدل آن، خود را در خدمت برآوردن اهداف آمریکا در ما حول چین قرار دهد.

4. اما در خصوص چین، باید گفت که احتمالاً اهداف امریکا از خروج از توافق نامه موشکی با روسیه، در اولویت شماره اول قرار دارد؛ زیرا امریکا قصد دارد توانایی‌های نظامی چین را مهار کند؛ اصلاً دوست ندارد چین، امریکا را با توانایی‌های نظامی‌اش غافل گیر کند؛ درست مانند این که با سرعت رشد توانایی‌های اقتصادی خود آن را غافل گیر نمود. امریکا می‌خواهد این توانایی‌ها را با یک سلسله معاهدات، مهار نموده و رشد آن را زیر نظر خود قرار دهد و یا چین را وادار نماید تا وارد رقابت تسلیحاتی استراتژیک در شرق دور شود؛ رقابتی که امریکا در آن پیشتاز است و از آن ابزاری برای شکستن صلابت اقتصادی چین و سرانجام سوق دادن آن به جانب سراسیب اقتصادی بسازد.

**ششم:** در خاتمه باید گفت: آنچه قلب ما را می‌آزارد، اینست که مسلمانان در این کشمکش‌های بین‌المللی سهمی ندارند و از آنان فقط در میادین منافع استفاده می‌شود؛ بدون این که نقشی در قضایای حیاتی جهان داشته باشند؛ بلکه اوضاع به جایی رسیده که حکام مزدور و بی‌خاصیت سوار بر گرده امت اسلامی، خود را کاملاً در اختیار غرب، به ویژه امریکا قرار داده اند تا از آنان برای جلوگیری از برگشتن و ظهورشان و ابهت اسلام استفاده نمایند. اما با آن هم، جنب و جوش روزافزون امت اسلامی به جانب اسلام و دست رد زدن به راهکارهای حکام سیکولر و تحرکاتی که از خود علیه آنان نشان می‌دهند، به خوبی بیانگر این است که زمان حکومت‌های جبری رو به تمام شدن است و به خواست الله سبحانه و تعالی، دولت خلافت راشده جای آن را خواهد گرفت؛ دولتی که با دستان پرتلاش و صادق دعوت‌گران بنا نهاده خواهد شد و به این ترتیب، بشارت رسول الله صلی الله علیه وسلم جامه عمل خواهد پوشید؛ آن جا که می‌فرماید:

«...ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةً عَلَىٰ مِنْهَاجِ النَّبِيِّ ثُمَّ سَكَّتَ»

**ترجمه:** ...سپس حکومت‌های جبری خواهد و تا زمانی که الله بخواهد، باقی خواهد ماند و هرگاه خواست آن را از میان برمی‌دارد، سپس خلافت بر منهاج نبوت خواهد بود و سپس سکوت نمود.

پس از آن، زمین یک بار دیگر با نور خلافت روشن شده و کفار استعمارگر با تمام شرارت و جنایتی که در حق بشریت مرتکب شده اند، به زادگاه خود برخواهند گشت و امت اسلامی رهبری جهان را در دست گرفته و آن را به دور از هرگونه جنایت و جنایت پیشه‌گان به پیش خواهد برد.

﴿وَيَوْمَئِذٍ يُفْرِحُ الْمُؤْمِنُونَ ۚ بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ﴾

[روم: 4-5]

**ترجمه:** و در آن روز، مؤمنان (بخاطر پیروزی دیگری) خوشحال خواهند شد، به سبب یاری الله و او هر کس را بخواهد، یاری

می‌دهد و او صاحب قدرت و رحیم است!

7 جمادی الآخرة 1440 هـ

12 فبروری 2019 م